

فصلنامه علمی- پژوهشی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»

شماره پانزدهم، زمستان ۱۳۸۸: ۷۵-۹۳

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۱۱/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۰۴/۲۲

تاج المآثر و کشف ابیاتی فراموش شده از چند دیوان

* طاهره خوشحال دستجردی

** غلامحسین شریفی ولدانی

*** مهدی فاموری

**** علیرضا شادآرام

چکیده

کتاب تاریخی - ادبی "تاج المآثر" کهن‌ترین منبع تاریخ غوریان است که مؤلف آن، حسن نظامی نیشابوری خود در دستگاه حکومت غوریان هند می‌زیسته است. تاج المآثر که در سال ۶۰۲ ه. ق به رشته تحریر درآمده، علاوه بر اهمیت تاریخی، از اهمیت ادبی بسیار نیز برخوردار است.

بهره‌گیری فراوان از صنایع ادبی و استشهاد بسیار به اشعار تازی و پارسی، از بارزترین ویژگی‌های این کتاب است؛ آنگونه که به گفته ملک الشعرا بهار هیچ یک از آثار متقدمان به اندازه تاج المآثر شاهد شعری از قدما ندارد. بدین ترتیب یکی از استفاده‌هایی که می‌توان از این کتاب برد، بازشناسی ابیات و اشعار مفقود و فوت شده از دیوان‌های شعرا سرشناس است.

آنچه نویسندگان در این مقاله به اجمال بدان پرداخته، مقایسه‌ای میان ضبط ابیات شاعران شناخته شده در تاج المآثر و همان ابیات در دیوان‌های مصحح است. بدیهی است که این مقایسه در کشف و تصحیح اشعار شاعران مورد نظر بسیار مؤثر است.

واژه‌های کلیدی: تاج المآثر، نظامی نیشابوری، متن پژوهی، مسعود سعد سلمان، امیرمعزی، مجیرالدین بیلقانی، قطران تبریزی، عمیق بخاری، ابوالفرج رونی، انوری، عسجدی، منوچهری، فرخی، عنصری، سید حسن غزنوی.

T.khosshal@ltr.ui.ac.ir

Sharifei@yahoo.com

Mfamoori@yahoo.com

Shadarama@yahoo.com

* نویسنده مسئول: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

*** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

**** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

مقدمه

تاج المآثر کتابی تألیف «حسن نظامی نیشابوری» مشتمل بر تاریخ سلاطین و امرای غوری خراسان و هند، از سال ۵۸۷ تا ۶۱۴ ه. ق است. این کتاب از کهن‌ترین منابع تاریخ غوریان است که مؤلف آن خود در دستگاه حکومت غوریان هند زندگی می‌کرده است و از این حیث علاوه بر اهمیت ادبی از نظر تاریخی نیز ارزشمند است.

تاج المآثر همچون کلیله و دمنه از کتب پیشرو نثر فنی و مصنوع فارسی است و از این نظر می‌توان آن را از کتب مؤثر در تطور نثر فارسی دانست. از جمله ویژگی‌های نثر این کتاب می‌توان به استفاده فراوان از واژگان تازی، موازنه، ترادف و اطناب، ابتدای سخن و جمله به «و»، استشهاد بسیار به آیات و احادیث و به کارگیری بیش از حد شواهد شعری اشاره کرد. نثر این کتاب به تقریب آمیخته با ۴۰۰۰ بیت فارسی و ۵۰۰۰ بیت تازی است و به تایید ملک الشعرا بهار، "هیچ کتاب به قدر تاج المآثر شاهد شعری خاصه از اشعار متقدمان ندارد" (بهار، ۱۳۷۰، ج ۳: ۷۰). این خصوصیت کتاب اگرچه موجب فراهم آمدن گنجینه قابل توجهی از اشعار بزرگان ادب فارسی و عربی در موضوعات مختلف شده است، در عین حال به ارزش کتاب به عنوان اثری تاریخی آسیب زده و زیبایی و روانی نثر آن را تحت شعاع قرار داده است. با این حال به قول زنده یاد بهار، اگرچه این کتاب را نمی‌توان در ردیف کتب درجه اول نثر فنی فارسی قرار داد، در هر حال در نوع خود کتابی ممتاز است (همان: ۱۰۹). اشعار تازی این کتاب بیشتر از دیوان‌های شاعران معروف عرب مانند متنبی، ابوالعلائی معری، ابیوردی، ابوتمام، بحتری، ابوالفتح بستی و دیگران برگزیده شده و اشعار فارسی اثر نیز بیشتر به شعرا شهیر معاصر مؤلف یا به کسانی که در روزگارانی نزدیک به عصر مؤلف می‌زیسته‌اند متعلق است. خاقانی، مجیرالدین بیلقانی، انوری، مسعود سعد، سنایی و امیر معزی از جمله این کسانی هستند. از آن جا که نویسنده در نقل شواهد شعری نامی از شعرا می‌دهد که از شعرشان استفاده کرده است نیابورده، متأسفانه هنوز منبع برخی از اشعار تازی و فارسی این کتاب بر ما پوشیده است.

بر اساس فهرست‌های کتابهای چاپی، این کتاب تاکنون در ایران تصحیح و منتشر نشده است. از این کتاب نسخ تقریباً متعددی موجود است که اقدام و اصح این نسخ عبارتند از:

۱- نسخه متعلق به کتابخانه فیض الله افندی ترکیه به تاریخ کتابت ۶۹۴ هـ. ق و در ۶۰۰ صفحه. خط این نسخه نسخ و نسبتاً خوانا و فاقد افتادگی است. ما از میکروفیلم این نسخه که به شماره ۱۶۹ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می شود، استفاده کرده ایم. این میکروفیلم را مجتبی مینوی تهیه کرده است. اساس کار ما در این تحقیق بر این نسخه است.

۲- نسخه متعلق به کتابخانه فیض الله افندی ترکیه به تاریخ کتابت ۷۹۵ هـ. ق و در ۵۰۰ صفحه. خط این نسخه نیز نسخ است. بسیاری از ابیات این نسخه در حواشی متن نقل شده است. ما از میکروفیلم این نسخه که به شماره ۱۱۴ ایضاً در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران محفوظ است، استفاده کرده ایم. این میکروفیلم را نیز مجتبی مینوی تهیه کرده است.

۳- نسخه شماره ۸۸۷۹ دانشگاه تهران در ۴۵۰ صفحه و به تاریخ کتابت ۷۲۶ هـ. ق. این نسخه به خط نستعلیق هندی است.

۴- نسخه شماره ۲۷۱ مجلس سنا در ۶۱۰ صفحه به خط نسخ و به تاریخ کتابت ۷۲۹ هـ. ق.

معرفی نویسنده کتاب

از میان کتب قدما، تاریخ فیروزشاهی در قرن ۸ قدیمی ترین اثری است که از نویسنده تاج المآثر با عنوان "خواجه صدر نظامی" یاد کرده است (برنی، ۱۴: ۱۸۶۴) کشف الظنون نویسنده کتاب تاج المآثر را "صدرالدین محمد بن حسن" خوانده (حاجی خلیفه، ۱۹۹۲: ۲۶۹) و حمدالله مستوفی از او تنها با عنوان "صاحب تاج المآثر" یاد کرده است (مستوفی، ۱۳۳۹: ۷۵). آقابزرگ تهرانی نیز در الذریعه از وی با عنوان "صدرالدین حسن بن محمد" نام برده است (تهرانی، ۱۹۸۳، ج ۳: ۲۰۷). مرحوم ملک الشعرا بهار (بهار، ۱۳۷۰، ج ۳: ۱۰۶) او را "تاج الدین محمد بن حسن نظامی" و ذبیح الله صفا نیز وی را "صدرالدین حسن بن محمد نظامی" (صفا، ۱۳۵۲، ج ۳: ۱۱۶۳) نامیده اند. با این حال تا آنجا که به اصل متن کتاب مربوط می شود، نویسنده تنها یکبار در مقدمه اثر خود را با عنوان "بنده و بنده زاده حسن نظامی" معرفی کرده است. (نسخه اساس، برگ ۱۲) از آنجا که نویسنده در اثر، خود هرگز به لقب و یا کنیه خویش

اشاره‌ای نداشته و گویا جز تاج المآثر اثری از وی برج نمانده است، بر ما معلوم نشد که نویسندگان کتب تراجم، در تاج الدین یا صدرالدین و یا نظام الدین خواندن وی از چه منابعی سود جسته بوده‌اند و این منابع تا چه حد قابل اطمینان و اتکا می‌باشند. در خصوص زادگاه وی، در اغلب فهرست‌های نسخ خطی و نیز در آثار استادان بهار و صفا او "نیشابوری" خوانده شده و در این میان تنها صاحب کتاب "طراز الاخبار" که جنگ گونه‌ای است متعلق به سده یازده هجری نظامی را "دهلوی" خوانده است (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۳۷۵).

خود نویسنده تاج المآثر نیز در مورد محل سکونت خود پیش از کوچ می‌نویسد: "... و دعوی حرکت و رحلت بر سکون و اقامت راجح گشت و در نظر عقل دوری از آن طایفه عین مصلحت نمود... وداع کرده آمد " گسسته دل ز نیشابور و صحبت اصحاب" (نسخه اساس، برگ ۱۹)

شاید آنچه موهم نویسنده طراز الاخبار در دهلوی خواندن نظامی بوده، اقامت احتمالاً دیرپای او در دهلی پس از ورود به دستگاه غوریان هند بوده باشد. هیچ یک از معدود کتب تراجم یاد شده، در اشارات مختصر خویش به حسن نظامی، از سال تولد و درگذشت او ذکری به میان نیاورده‌اند و دانسته‌های ما در این باره نیز تنها به برخی اشاره‌های خود وی در متن اثرش منحصر می‌شود و آن به قرار زیر است: نویسنده تاج المآثر خود تصریح دارد که نگارش کتاب را به سال ۶۰۲ هجری آغاز کرده بوده است (نسخه اساس، برگ ۳۹). در ثانی - آنگونه که از لحن نگارنده بر می‌آید نباید فاصله چندانی در میان سال هجرت وی به دهلی و آغاز به کار تالیف تاج المآثر وجود داشته باشد و بنابراین سال دخول وی به درگاه قطب الدین آییک در دهلی را باید در حدود همان سال ۶۰۲ هجری بیان‌کنیم. در جایی دیگر مؤلف در بیان انگیزه‌های کوچ خود از بیم خویش از زوال آفتاب جوانی و پدیداری ایام پیری و ناتوانی، پیش از بهره‌وری از نتایج فضل و هنر سخن می‌آورد و می‌گوید:

"و به واسطه انتقال، ثمره امانی از شجره آمال طلبید و از راه مقاسات رنج سفر، در احراز گنج هنر کوشید... و پیش از آن که تباشیر صبح مشیب روی نماید و روزگار شباب که موسم عیش و تمتع است نهایت پذیرد و نهال جوانی از نضارت بی بهره ماند، جلا اختیار کرد" (نسخه اساس، برگ ۲۳).

لحن کلام در این پاره آشکار می‌نماید که وی در این دوره در روزگار میانسالی می‌زیسته و اگر هنوز گوهر جوانی خویش را از کف نداده از ظهور قریب الوقوع ایام کهولت و ناتوانی در بیم و عذاب است. ناگزیر در این سالها عمر وی نباید از دهه سوم و یا نهایتاً چهارم زندگی این سوی و آن سوتر بوده باشد و بدین ترتیب سال تولد وی نمی‌تواند مقدم بر سال ۵۶۰ هجری باشد.

آخرین واقعه‌ای نیز که حسن نظامی در تاج المآثر به ثبت آن پرداخته، به سال ۶۱۴ هجری مربوط می‌شود، از این روی وی تا بدین سال در قید حیات بوده است و سال وفات او نمی‌تواند پیش از این عهد روی نموده باشد.

پیشینه، هدف و روش تحقیق

همان‌گونه که در معرفی کتاب گفتیم تاج المآثر تا کنون در ایران به چاپ نرسیده است. همچنین - تا آنجا که اطلاع داریم - تا به حال تحقیق جامع و کاملی نیز درباره آن صورت نگرفته است. با توجه به اهمیت ادبی این کتاب، نویسندگان مقاله حاضر کوشیده‌اند تا با نوشتن این مقاله، از یک سو به معرفی بیشتر تاج المآثر بپردازند و از سوی دیگر با اثبات نقش این کتاب در کشف و تصحیح ابیات استادان متقدم زبان فارسی ضرورت تصحیح تاج المآثر را نشان دهند. برای این منظور نخست چهار نسخه از معتبرترین نسخ موجود تاج المآثر به عنوان منبع اصلی تحقیق انتخاب شدند. سپس سرایندهگان اشعار کتاب شناسایی شدند و در مرحله بعد با مقایسه این اشعار با آنچه در دیوان‌های مصحح ثبت شده است، کوشش شد تا برخی از ابیاتی که در این دیوان‌ها اصلاً ثبت نشده یا به شکل ناصحیحی ثبت شده‌اند، کشف و اصلاح گردند.

تاج المآثر و تصحیح دیوان‌ها شاعران بزرگ

پس از دیوان شاعران و تذکره‌ها که مستقیماً ما را در شناخت احوال و اقوال شاعران و نویسندگان بزرگ یاری می‌دهند، جنگ‌ها، جنگواره‌ها و سفینه‌ها از مجموعه‌های گرانقدری هستند که آگاهی‌هایی ارجمند درباره برخی اشعار فوت شده از دیوان بزرگان و نیز شاعران گمنام به دست می‌دهند. مؤلفان این آثار، ادبا و فضلالی صاحب ذوقی بوده‌اند که تقریباً در هر دوره‌ای از ادبیات فارسی حضور داشته و به گردآوری بهترین

شعرها و متون برگزیده در موضوعات گوناگون پرداخته‌اند.

«تاج‌المآثر» یکی از همین آثار ارزشمند و کم‌نظیر است؛ آنگونه که – همانطور که گفتیم – به گفته ملک‌الشعراى بهار هیچ یک از آثار متقدمان به اندازه تاج‌المآثر شاهد شعری از قدما ندارد (بهار، ۱۳۷۰: ۷۰). بدین ترتیب یکی از استفاده‌هایی که می‌توان از این کتاب برد، بازشناسی ابیات و اشعار مفقود و فوت شده از دیوان‌های شاعران سرشناس است و این جدای از شمار فراوان اشعاری است – حدود سی و پنج درصد اشعار فارسی کتاب – که از شاعران برجسته عهدِ درخششِ سبکِ خراسانی و آذربایجانی به واسطه این کتاب به ما رسیده و ما از آن گویندگان اطلاعی در دست نداریم. آنچه ما در اینجا به اجمال انجام داده‌ایم، مقایسه‌ای میان ضبط برخی ابیات و اشعار شاعران شناخته شده در تاج‌المآثر و همان ابیات و اشعار در دیوانهای مصحح است.

کشف ابیاتی فوت شده از دیوان‌های شعراى بزرگ

هنگامی که ابیات حذف شده در نسخ مصحح را در تاج‌المآثر می‌یابیم، این سؤال در ذهن مطرح می‌شود که تا چه حد می‌توان به صحت انتساب اشعار به صاحبان قصاید اعتماد کرد؟ مشکلی که در شعر قصیده سرایان سبک خراسانی دیده می‌شود و از این روی، کار محقق را از جهت بررسی جایگاه ابیات بازیافته دچار اشکال می‌کند، ضعفی است که این اشعار از جهت محور عمودی شعر دارند. این ضعف همان‌گونه که محمدرضا شفیعی کدکنی در کتاب صور خیال در شعر فارسی تبیین کرده‌اند دارای دو جنبه است. یکی محدودیت در طرح کلی قصیده که آن را "در چند قالب خاص می‌توان ترسیم کرد و می‌توان نشان داد که ذهن و خیال شاعران در محور عمودی قصیده از چند قالب مکرر و محدود تجاوز نکرده" (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۱۷۳) و از این حیث "می‌توان جهت کلی و محور عمودی قصاید قدما را در چند نوع تشبیب و گریزهای خاص محدود کرد" (همان: ۱۷۳). این امر باعث به هم ماندگی نسبی اغلب چکامه‌های شاعران این عهد و عدم تشخیص این آثار از جهت ساخت کلی شده است.

جهت دوم ضعف محور عمودی در این آثار، عدم پیوستگی ابیات و به تعبیر دیگر "استقلال ابیات" است. این مساله که از یک جهت حسن شعر فارسی است، از جهت دیگر عیب است "بدین گونه که "بیت" همیشه زیبا، مؤثر و عمیق است اما شعر از این

زیبایی و عمق و کمال بهره ندارد" (همان: ۱۸۱). این سنت، ریشه در شعر عربی دارد و در آنجا از چنان استمراری برخوردار بوده که در نتیجه آن، "کار استقلال ابیات به جایی کشید که پیوستن معنوی دو بیت را ناقدان عرب اغلب عیب کرده‌اند" (همان: ۱۸۱). قصیده سرایی فارسی نیز آشکارا متأثر از همین سنت بوده است. بدین ترتیب در شعر این دوران، اگرچه با شمار فراوانی از ابیات زیبا و برجسته مواجهیم، در خصوص پیوستگی ابیات اظهار نظری نمی‌توانیم کرد؛ یعنی به اغلب احتمال و در بیشتر موارد در صورت کم و یا افزون شدن ابیات، امکان آگاهی بر آن وجود ندارد و در نتیجه نمی‌توان از این منظر در خصوص پیکره‌بندی واقعی شعر اظهار نظر کرد. مسلماً از همین روست که امکان کم شدن و افتادگی در قصیده بسی بیش از مثلاً قطعه و یا حتی مثنویهای داستانی است که از محور عمودی قدرتمندی برخوردارند. با توجه به موارد مذکور، از آنجا که اشعار باز یافته در تاج المآثر با بازمانده اشعار ثبت شده در دیوان‌های مصحح و سبک شاعرانی که به آنها منسوب شده‌اند تنافر سبکی ندارند، لذا دلیلی بر ردّ روایی انتساب ابیات به صاحبان دیوان‌ها وجود ندارد. این مسأله در مورد اشعار مندرج در دیوان‌ها نیز، با توجه به آنکه در تصحیح آنها از منابع مختلفی استفاده شده است صدق می‌کند.

اینک ابیاتی باز یافته در تاج المآثر از شعرای مشهور را نقل می‌کنیم:

مسعود سعد سلمان:

الف) در قصیده‌ای با عنوان "در صفت تیر و مدح آن وزیر" با مطلع:

«بگشاد خون ز چشم من آن یار سیم بر / چون بر بسیج رفتن بستم همی کمر»
در اثنای قصیده این ابیات را داریم:

«مانند آفتاب همی رفت بر زمین / هم چون مجره پیدا از پنجه هاش اثر
از سیر و فعل و رنگ شهاب است زین قبل / در مرغزار چون فلک او را بود ممر»
در تاج المآثر در میان دو بیت اخیر، بیت زیر نیز آمده است؛ بیتی که دیوان‌های مصحح فاقد آنند:

«خون ریزد او و نیست عجب زآنکه چشم او / بر روی اوست راست چو مریخ بر قمر»

ب) در قصیده‌ای با عنوان "در ثنای علاء الدوله مسعودشاه" با مطلع:

«پادشاه بزرگ دین پرور / شهریار کریم حق گستر»

در ضمن قصیده بدین بیت می‌رسیم:

«گشت از اقبال آن عبیر و گلاب خاک در دشت و آب در فرغر»

در تاج المآثر پس از این بیت، بیتی آمده که از دیوان‌ها افتاده است:

نم بر آمد ز ریگ تفته زمین بر برون زد ز شاخ پوده شجر

دیوان مصحح مرحوم یاسمی، بر اساس نسخه چاپی سال ۱۲۹۶ توسط ابوالقاسم

خوانساری و فاقد خصایص تصحیحی انتقادی است. اساس تصحیح سید مهدی نوریان

به سال ۱۰۰۹ ه. ق. متعلق است و قدیمی‌ترین نسخه مورد استفاده ایشان مربوط به

سال ۱۰۰۸ ه. ق. است (دیوان سعد سلمان، ص نوزده).

قطران تبریزی:

الف) در قصیده‌ای با عنوان "در مدح ابودلف" با مطلع:

«بتی سرو بالا و سرو سمنبر که شمشاد دارد به برگ سمن بر»

در ضمن ابیاتی در توصیف اسب خویش آورده است:

«نشستم بر آن باره باد تک من که هم کوه مال است و هم کوه پیکر»

در این پاره از قصیده است که در نسخ تاج المآثر بیتی آمده که در دیوان مصحح

دیده نمی‌شود:

«دلاور چو شیر و تکاور چو آهو تناور چو پیل و چو ماهی شناور

قمر دائم از زخم گوشش منقش زمین دائم از شکل نعلش مقمر

به آب از درون همچو موسی عمران بر آتش درون چون براهیم آزر»

بیت نخست در دیوان تصحیح شده نیست.

ب) در قصیده‌ای با مطلع:

«تا دل من در هوای نیکوان گشت آشنا در سرشک دیده‌ام کرد این دل خونین شنا»

می‌خوانیم:

«پرنیان وار است و آهن را کند چون پرنیان گندنا رنگ است و سرها بدرود چون گندنا

همچو پیروزه است بر وی تاخته سیم حلال همچو سیماب است در وی ریخته دُرّ نقا»

بیت ثانی در دیوان مصحح وجود ندارد.

مصحح دیوان قراتر تبریزی، محمد نخجوانی، که تصحیح خویش را به سال

۱۳۳۲ ه. ش. به چاپ رسانده، درباره تاریخ کتابت و اصالت نسخ مورد استفاده خود

سخنی نگفته است. احتمالاً نسخه اساس ایشان نسخه متأخری است که عبرت نایینی کتابت نموده است. از آنجا که نسخ موجود و شناخته شده دیوان قطران تقریباً همگی متأخر و مربوط به دوره قاجارند، بنابراین با توجه به قدمت تاج المآثر، رجوع به آن در تصحیح دیوان قطران امری ضروری است.

مجیرالدین بیلقانی:

الف) در ضمن قطعه شماره ۴۷ این ابیات آمده است:

«از بلندی نه بر او راه دعای مستجاب وز حسیضی نه در او راه قضای کردگار
کوه در بالای او باشد بسان پای مور دشت در پهنای او باشد بسان چشم مار...
وهم یابد رنج اگر ماند به عرضش در گذر چشم یابد درد اگر یابد به طولش در گذار»

در تاج المآثر حسن نظامی پس از بیت نخست، این بیت آمده است:

«باد گردد مانده گر یابد بر او یک راه راه دیو گردد بسته گر یابد در او یک بار بار»
و پس از بیت دوم نیز ابیات زیر مذکور افتاده‌اند:

«اختران را از فرود او بود دایم روشن آسمان را از فرود او بود دایم مدار
چرخ نتواند شکستن زو به عصری یک حجر دهر نتواند ستردن زو به دوری یک نگار
بر سرش باشد بهار و از پیشش باشد خزان در بنش باشد خزان ار بر سرش باشد بهار»

در دیوان مصحح محمد آبادی از ابیات چهارگانه فوق اثری نیست:

ب) در دیوان مجیر، تک بیتی مشهوری وجود دارد که مشخصاً بر جای مانده‌ای از یک رباعی است:

«از بستر غم که جای بدخواه تو باد برخیز سبک ورنه جهان برخیزد»
در تاج المآثر بیت نخست این رباعی بدین گونه آورده شده:

«گر تیغ تو یکدم ز میان برخیزد عصمت همه را ز مال و جان برخیزد»
تاریخ کتابت نسخه اساس تصحیح دیوان مجیرالدین - آنگونه که مصحح بیان داشته - به پیش از سال ۱۰۹۷ هـ. ق. باز می‌گردد. (بیلقانی، ۱۳۵۸: ۷۹ مقدمه) اقدام نسخ مورد استفاده ایشان، جنگی است متعلق به ۷۴۱ هـ. ق. که البته تنها در حدود ۲۰۰ بیت از مجیر را داراست. بقیه نسخ به قرن ۱۰ به بعد تعلق دارند (همان). بدین ترتیب نسخ تاج المآثر در اختیار ما از لحاظ تاریخی بر تمامی نسخ دیوان این شاعر مقدمند.

امیر معزی نیشابوری:

الف) در چکامه‌ای با عنوان "در مدح سلطان ملک‌شاه" و در ضمن ابیاتی در وصف شمشیر ممدوح آمده است:

«چیست آن رخسنده و پاک و زدوده گوهری فتنه هر دشمنی و شحنه هر لشکری
گوهری کاندر صفت مانند آبی روشن است یا به هنگام عمل مانند سوزان آذری
اصلش از سنگ است و چون آتش فروزد روز جنگ سنگ خارا از نهیب او شود خاکستری»
در تاج المآثر پیش از بیت آخر، بیتی دیگر نیز آمده است:

گر نه آب است و نه آتش پس چرا بدخواه را هست از او در دیدگان سیلی و در دل اخگری
ب) در قصیده‌ای با عنوان "در توحید و قصه مرگ پسر مجیرالدوله اردستانی" با مطلع:

«بنگر این پیروزه‌گون دریای ناپیدا کنار بر سر آورده ز قعر خویش در شاهوار»
در میانه شعر می‌خوانیم:

چون شد او بیمار نرگس گشت خاکسترنشین جامه زد در نیل و پیش مرگ او شد سوگوار
در تاج المآثر پس از این بیت، دو بیت دیگر نیز آمده که در اینجا نقل می‌شود.
ضمن آنکه مصرع دوم بیت اخیر نیز با مصرع دوم بیت پس از خود جا به جا نقل شده؛
نقلی که مشخصا بنا بر مفهوم شعر صحیح‌تر است:

«چون شد او بیمار نرگس گشت خاکسترنشین وز می تیمار در چشمش پدید آمد خمار
چون بنفشه یافت از آشوب عمر او نشان جامه زد در نیل و پیش چشم او شد سوگوار
لاله چون بشنید کاو خواهد شد از گیتی برون رخ به خون شست از غم او در میان لاله‌زار»

عمیق بخاری:

الف) در چکامه‌ای با عنوان "در مدح ابوالمظفر ابراهیم" با مطلع:

«مست و شادان در آمد از در تیم کرده بیجاده جای در یتیم»
آورده:

«ملک هرگز ندید چون تو ملک چون بزادی تو گشت ملک عقیم»
در تاج المآثر پیش از این بیت، این دو بیت مفقود از دیوان چاپی آمده است:

«چون حرم شد حریم مملکتش حضرتش کعبه در میان حریم
کس نمانده است زار جز بم و زیر کس نمانده است خوار جز زر و سیم»
همچنین در این کتاب پس از بیت یادشده، ابیاتی آمده که از نسخ مورد استفاده در

تصحیح دیوان فوت شده است:

«هفت دریا تو راست در کف دست زیر دست از تو ملک هفت اقلیم
زود بینی که ملک این عالم کند ایزد همه به تو تسلیم»

(ب) در قصیده موریه بیتی است که در دیوان چاپی نیامده است:

من ارچون مور مویی را کشم چون دانه زی خانه ز موی از مویه دانندم که آن یک موی جان دارد
در سطرهای بعد دوباره از این قصیده سخن خواهیم گفت.

مرحوم سعید نفیسی، مصحح دیوان عمیق درباره نحوه کار خویش آورده است:
"چنانکه پیش از این متذکر شدم نسخه کامل دیوان عمیق در میان نیست و شاید قرن‌ها
پیش از این از میان رفته باشد. تنها در تذکره‌ها و بیشتر در سفینه‌ها اشعاری از او
هست و در فرهنگها نیز ابیاتی چند به شاهد لغات از او آورده‌اند... آنچه در این صحایف
از اشعار عمیق خواهد آمد بیشتر از سفینه‌ها و مجموعه‌هایی است که در زمانهای
مختلف گرد آورده‌اند و در ضمن آنچه را که در کتابهای دیگر به نام او آورده‌اند، رعایت
کرده‌ام" (نفیسی، بی تا: ۱۲۵). بدین ترتیب احتمال افتادگی در اشعار این شاعر فراوان
است و لزوم بهره‌گیری از کتبی چونان تاج المآثر حتمی است.

انوری:

(الف) در قطعه‌ای در مدح آمده است:

«چو چار چیز ز ارکان بارگاه تو باد مخالف تو کزو هست عیش تو شیرین
دو نیمه تن چو ستون و دریده دل چو سرج چو میخ کوفته سر، چون طناب راه نشین»
در دیوان مصحح مدرس رضوی نیز این قطعه به همین شکل آمده، جز آنکه به جای
"سرج" در انتهای مصرع دوم، "سرج" قید شده است. اما در تاج المآثر به جای بیت
نخست این بیت آمده است:

«به شکل بارگهت باد دشمنت دایم که باد خیمه جاهت بر اوج علیین»
در بیت دوم نیز به جای تعبیر "دریده دل چو سرج"، "دریده دل چو سرج" آمده
که قاعدتاً همین تعبیر اخیر باید درست باشد.

(ب) در قصیده‌ای با عنوان "در مدح کمال الدین ابی سعد مسعود بن احمد
المستوفی" و با این مطلع

«خدای خواست که گیرد زمانه جاه و جلال جمال داد جهان را به جود و جاه و کمال»

که در دیوان مصحح سعید نفیسی بدین شکل آمده است:
 «خدای خواست که گیرد زمانه جاه و جلال جمال داد جهان را به جود خواجه کمال»
 در اثنای چکامه می‌خوانیم:
 «ز حرص آنکه از او سائلان سؤال کنند همی سؤال بخواهد ز سائلان به سؤال
 ایا محامد تو نقش گشته در اوهام و یا مآثر تو وقف گشته بر اقوال»
 در تاج المآثر در میان این دو بیت، این بیت آمده که در دیوان‌های مصحح دیده نمی‌شود:

«دلش ملال نداند همی ز بخشش و جود مگر ز بخشش و جودش ملال گشت ملال»
 اقدام نسخ مورد استفاده مرحوم نفیسی، نسخه‌ای است متعلق به سده هفتم هجری که "قصاید و غزلیات بسیار از انوری" (و نه قطعات) در آن آمده است. صرف نظر از این نسخه، اقدام نسخ متعلق به سده نهم هجری است. قدیم‌ترین نسخه مورد استفاده مرحوم مدرس رضوی به سال ۷۰۸ هجری باز می‌گردد. از این نظر سه نسخه از نسخ تاج المآثر ما اقدام بر این نسخه، اگرچه خود پیداست که تقدم در تاریخ کتابت لزوماً به معنای اصالت بیشتر نیست.

ابوالفرج رونی:

در قصیده‌ای با عنوان "در مدح سلطان علاء الدوله ابوسعید مسعود بن ابراهیم" با مطلع:

«شه باز به حضرت رسید هین یکران مرا برنهیید زین»
 در اثنای شعر، این بیت ناقص مانده آورده شده است:
 «بیلک به کمانش به جان خصم چــــون.....»
 در تاج المآثر این بیت بدین شکل آمده است:

«بیلک به کمانش به جان خصم چون فازه به عدوی برد انین»

آنگونه که مصحح دیوان در موخره اثر آورده‌اند: "مصرع دوم در اکثر نسخ متفاوت است" اما در دو نسخه متفق و به این صورت است: "چون نازه به عدوی برد انین". ایشان سپس نازه را ناره دانسته‌اند و گفته‌اند بدین ترتیب معنای بیت می‌تواند اینگونه باشد: "تیر دوشاخ از کمان ممدوح همچون ناله دشمن را قرین ناله و زاری می‌کند" (رونی، ۱۳۴۷: ۳۸۲). اما به نظر نویسندگان این مقاله با توجه به روایت نظامی

گویا باید همان "فازه" به معنای خمیازه درست باشد.

اقدام نسخ مورد استفاده محمود مهدوی دامغانی در تصحیح دیوان ابوالفرج رونی، به سال ۶۹۱ و یا ۶۹۲ هـ. ق. متعلق است و بنابراین ۲ تا ۳ سال بر نسخه اول تاج المآثر ما دارای تقدم است.

منوچهری دامغانی:

در قصیده‌ای با عنوان "در وصف اسب و مدح شهریار" با مطلع:

«آفرین ز آن مرکب شب‌دیز فعل رخس خوی اعوجی مادرش و آن مادرش را یحوم شوی»

در میانه قصیده می‌خوانیم:

«پی زقوس و فش زدرع و رگ زموی و تن زکوه سر ز نخل و دم زحبل و بر زسنگ و سم ز روی
دیر خواب و زودخیز و تیر سیر و دوربین خوش عنان و کش خرام و پاک زاد و نیک‌خوی»

در تاج المآثر در میان این دو بیت، بیتی است که در دیوان مصحح نیامده است:

«درع فش آتش جبین گنبد سرین آهن کتف مشک دم عنبر نفس گلبوی خوی شمشاد بوی»

اقدام نسخ محمد دبیر سیاقی متعلق به سده یازده هجری است.

سید حسن غزنوی:

در قصیده با مطلع:

«فشانند از سوسن و گل سیم و زر باد زهی بادی که رحمت باد بر باد»

در تاج المآثر در اثنای قصیده می‌خوانیم:

«برای چشم هر ناهل گویی عروس باغ را شد جلوه گر باد

عجب چون صبح را خوش می‌برد خواب چرا افکند گل را در سهر باد»

بیت دوم از دیوان مصحح فوت شده است. در دیوان چاپی سید حسن غزنوی، نسخ

استفاده شده در تصحیح معرفی نشده‌اند.

عسجدی:

در دیوان مصحح این بیت مفرد را می‌خوانیم:

«درم از کف او به نزع اندر است شهادت از آن دارد اندر دهان»

در تاج المآثر این بیت را پیش از بیت اخیر داریم:

«چو خندان بود گوهر ارزان شود چو خشم آورد نرخ گیرد کفن»

به گفته شهاب طاهری مصحح دیوان عسجدی مروزی، "از آثار عسجدی به جز ابیات

پراکنده‌ای که در تذکره‌ها و سفینه‌ها باقی مانده دیوان مرتبی در دست نیست" (عسجدی، ۱۳۴۸: ۱۷). ایشان تک بیت مذکور را از فرهنگ جهانگیری نقل کرده‌اند.

عنصری:

در چکامه پرآوازه با مطلع:

«چنان نماید شمشیر خسروان آثار چنین کنند بزرگان چو کرد باید کار»

در اثنای قصیده می‌خوانیم:

«ز بس که نافه مشک و شمامه کافور شده نسیم صبا همچو کلبه عطار

عمود زرین با گوهرین کمر شمشیر سلاح نیک و پری چهرگان گل رخسار»

در تاج المآثر پس از این دوبیت می‌خوانیم:

«فسیله‌های نژاده که هر یکی گه تک کند به سختی سم سنگ خاره را صد پار»

تصحیح محمد دبیر سیاقی بر اساس "منقولات کتاب مجمع القصاید متکی است"

(عنصری، ۱۳۴۱: ۹). تاریخ کتابت مجمع القصاید به سال ۱۰۶۷ هـ. ق است. یحیی

قریب نیز تاریخ کتابت نسخ خود را به دست نداده.

فرخی سیستانی:

در قصیده با مطلع:

«به فرخنده فال و به فرخنده اختر به نو باغ بنشست شاه مظفر»

ابیاتی در تاج المآثر مذکور است که به جز ابیات دارای قوافی چاکر، دلبر و کوثر،

هیچ کدام در دیوان تصحیحی نیامده:

«به باغی خرامید خسرو که آن را بهار و بهشت است مولی و چاکر

چمن‌های او را ز زهت ریاحین روش‌های او را ز خوبی صنوبر

به گاه بهار اندرو روی لاله به گاه خزان اندرو چشم عبهر

ز دستان قمری درو بانگ عنقا ز آواز بلبل درو زخم مزهر

درختانش از عود و برگش زمرد نباتش ز مینا و خاکش ز عنبر

به کشی چو اندیشه مرد عاشق به خوشی چو رخساره یار دلبر

یکی بر که ژرف در صحن بستان چو جان خردمند و طبع سخنور

نهادش چو دریا و کوثر ولیکن ز ژرفی چو دریا ز پاکی چو کوثر

ز خوشی چو جان و ز خوبی چو دانش
به صفوت هوا وز لطافت چو آذر
روان اندرو ماهی سیم سیم
چو ماه نو اندر سپهر منور»
امیر معزی:

در چکامه‌ای از او با مطلع:
"کنون که خور به ترازو رسید و آمد تیر
شدند راست شب و روز چون ترازو و تیر
ابیاتی است که در هر دو تصحیح عباس اقبال و محمدرضا قنبری بدین صورت ضبط
شده است:

«مگر که عاشق زارند لعبتان چمن
که پشتشان چو کمان است و رویشان چو زیر
ز فربهی شد و زینت بسان ربع و طلل
هر آن صنم که در آن خانه بود چون تصویر»
در تاج المآثر بیت اخیر این گونه است:

«ز فر و زیب تهی شد بسان ربع و طلل
هر آن چمن که چو بتخانه بود پر تصویر»
کاملاً پیدا است که روایت تاج المآثر از این بیت از حیث معنا صحیح‌تر از روایت
دیوان‌های مصحح است.

عمق بخاری:

چامه معروف و متکلفانه "موریه" وی در دو روایت تاج المآثر و دیوان، دارای
تفاوت‌های کوچک زیادی است. در ذیل تفاوت روایات دوگانه را ذکر کرده‌ایم. تک بیستی
نیز در تاج المآثر آمده که در دیوان نیست.

تاج المآثر: دیوان مصحح:

«اگر موری سخن گوید و گر مویی روان دارد/ گر مویی سخن گوید و گر موری روان دارد
من آن مور سخن گویم من آن مویم که جان دارد/ و گر مرآب و آتش را مکان ممکن بود مویی
من آن مویم که در توفان و در دوزخ مکان دارد/ من آن مویم که او دریا و دوزخ در میان دارد
تنم چون سایه موی است و دل چون دیده موران/ زهجر غالیه مویی که چون موران میان دارد
به چشم مور در گنجم چو موی از زاری و سالی/ به چشم مور در گنجم ز بس زاری و بس مستی
اگر خواهد مرا موری به مویی در نهان دارد/ اگر خواهد مرا موری به چشمی در نهان دارد
تنم چون موی زر اندود زرین مور خوی افشان/ منم چون مور از اندوه از هر موی خون افشان
نه مویی کان گره گیرد نه موری کان روان دارد/ نه مویی کاو گره گیرد نه موری کاو میان دارد
من ار با مور در مویی شبانروزی شوم همره/ اگر با موی و با موری شبانروزی شوم همره
نه مور از من خبر یابد نه موی از من نشان دارد/ نه موی از من خبر یابد نه مور از من نشان دارد
من آن مویم که از زاری پی موری بپوشاند/ من آن مورم که از زاری مرا مویی بپوشاند

من آن مورم که از سستی کم از مویی توان دارد/ من آن مویم که از سستی کم از موری توان دارد
من ارچون مور مویی را کشم چون دانه زی خانه/ این بیت را ندارد.

ز موی از مویه دانندم که آن یک موی جان دارد»

روایت تاج المأثر از این قصیده علاوه بر آنکه یک بیت افزون دارد، حداقل در دو مورد صحیح‌تر از دیوان مصحح به نظر می‌رسد؛ نخست بیت اول که با پذیرفتن روایت تاج المأثر لف و نشری معنادار و منطقی به دست می‌آید و دوم بیت چهارم که اگر روایت تاج المأثر را بپذیریم تضمین واژه مور و موی مانند سایر ابیات رعایت می‌شود.

اشعاری با شاعران نامعلوم:

حجم قابل توجهی از اشعار مذکور در تاج المأثر از این زمره‌اند. در اینجا تنها به ذکر یک نمونه از اشعار بلندتر این مجموعه اکتفا می‌کنیم. ابیاتی برگرفته از قصیده‌ای که مطلع و مقطع آن را در اختیار نداریم:

«فلک پیاده شود ز اسب جور چون بیند	انامل و کف او را سوار تیغ و قلم
چو بانگ بر روش روزگار زد عدلش	نیام گشت و قلمدان حصار تیغ و قلم
بر حسود و رخ بدسگال او دارد	به زردی و به کبودی شعار تیغ و قلم
رهی و مادح او را کمند دهند و گوهر	زبان لال و میان نزار تیغ و قلم
بسی کشید جهان انتظار دولت او	چنانکه دانش و داد انتظار تیغ و قلم
به بودن فلک تیغ او قلم چو برفت	حواله گشت بدو گیر و دار تیغ و قلم
چنان نشاند درو گوهر بنان و بیان	که پر ز در و گهر شد کنار تیغ و قلم
عجب بود چو به رنگ و به لون سیم و زرنند	به دست او در چندان قرار تیغ و قلم
به زهر قهر بر آرد همی هلاک و دمار	ز دودمان عدو زان دو مار تیغ و قلم
اگر نبودی عدلش کجا رها کردی	زمانه زر و گوهر بر عذار تیغ و قلم»

نتیجه‌گیری

تاج المأثر علاوه بر آنکه کتابی تاریخی است، به سبب افراط و سماجت نویسنده آن در استعمال شواهد شعری، به نوعی جنگواره‌ای از اشعار عربی و اشعار شاعران برجسته سبک خراسانی و مکتب آذربایجان محسوب می‌شود. همانگونه که دیدیم، این کتاب از جهت شمول بر شماری از ابیات درخشان افتاده از دیوان‌های شعرای بزرگ، کتابی بس

ارجمند و شایسته توجه است. با توجه به قدمت زمانی نسخ تاج المآثر در مقایسه با برخی از نسخی که دیوان‌های مصحح از آنها سود برده‌اند و صحت نسبی نسخ تاج المآثر، به خصوص نسخه ۱۶۹ دانشگاه تهران که قبل از حمله مغول کتابت شده و اینکه نویسنده تاج المآثر خود فردی فاضل و استاد در ادب بوده است، لزوم به انجام رسانیدن تصحیحی انتقادی از این اثر و نشر آن مسلم است.

منابع

- انوری ابیوردی، علی بن محمد (۱۳۳۷) دیوان اشعار، به تصحیح سعید نفیسی، تهران، موسسه مطبوعاتی پیروز.
- انوری ابیوردی، علی بن محمد (۱۳۴۷) دیوان اشعار، به تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- برنی، ضیاءالدین (۱۸۶۲م) تاریخ فیروزشاهی، به تصحیح مولوی سید احمدخان صاحب، به حمایت کاپیتان ولیم ناسولیس و مولوی کبیرالدین احمد، کلکته.
- بهار، محمدتقی (۱۳۷۰) سبک شناسی، جلد ۳، چاپ ۵، تهران، امیرکبیر.
- بیلقانی، مجیرالدین (۱۳۵۸) دیوان اشعار، به تصحیح محمد آبادی، تبریز، دانشگاه تبریز.
- تهرانی، آقابزرگ (۱۹۸۳م) الذریعة، بیروت، دارالاضواء.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله (۱۹۹۲م) کشف الظنون، جلد ۲، بیروت، دار صادر.
- حسن غزنوی، اشرفالدین (۱۳۶۲ش) دیوان اشعار، به تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، تهران، اساطیر.
- رونی، ابوالفرج (۱۳۴۷ش)، دیوان اشعار، به اهتمام محمود مهدوی دامغانی، مشهد، کتابفروشی باستان.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۶) زمینه اجتماعی شعر فارسی، تهران، اختران.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۰) صور خیال در شعر فارسی، تهران، آگاه.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۵۲) تاریخ ادبیات ایران، جلد ۳، تهران، دانشگاه تهران.
- عسجدی مروزی، ابوالنظر (۱۳۴۸) دیوان اشعار، به تصحیح شهاب طاهری، تهران، ابن سینا.
- عمیق بخاری، شهابالدین، بی تا دیوان اشعار، به تصحیح سعید نفیسی، تهران، کتابفروشی فروغی.
- عنصری بلخی، ابوالقاسم حسن (۱۳۴۲) دیوان اشعار، به تصحیح محمد دبیر سیاقی، تهران، کتابخانه سنایی.
- عنصری بلخی، ابوالقاسم حسن (۱۳۴۱) دیوان اشعار، به تصحیح یحیی قریب، تهران، کتابخانه ابن سینا.
- فرخی سیستانی، علی بن جولوغ (۱۳۳۵) دیوان اشعار، به تصحیح محمد دبیر سیاقی، تهران، شرکت نسبی اقبال و شرکا.
- قطران تبریزی، ابومنصور (۱۳۳۲) دیوان اشعار، به کوشش محمد نخجوانی، تبریز، بی نا.
- مستوفی، حمداله (۱۳۳۹) تاریخ گزیده تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر.
- مسعود سعد سلمان، سعیدالدوله (۱۳۶۴) دیوان اشعار، به تصحیح مهدی نوریان، اصفهان،

کمال.

مسعود سعد سلمان، سعیدالدوله (۱۳۶۳) دیوان اشعار، به کوشش رشید یاسمی، تهران،
امیر کبیر.

معزی نیشابوری، امیرالشعر محمد (۱۳۱۸) دیوان اشعار، به تصحیح عباس اقبال آشتیانی،
تهران، کتابفروشی اسلامیه.

معزی نیشابوری، امیرالشعر محمد (۱۳۸۵) دیوان اشعار، به کوشش محمدرضا قنبری، تهران،
زوار.

منوچهری دامغانی، احمد بن قوص (۱۳۶۴) دیوان اشعار، به تصحیح محمد دبیر سیاقی، تهران،
زوار.

